

The Necessity of re-correcting Katebi Neishaburi's Divan of Ghazals

Bahram Bashiri

PhD student of Persian languages and literature, Faculty of Literature and foreign languages, Islamic Azad University Tabriz, Iran, bahrambashiri45@yahoo.com

Rostam Amani *

Assistant Professor of Persian languages and literature, Faculty of Literature and foreign languages, Islamic Azad University Tabriz, Iran, rostam90@ymail.com

Hamidreza Farzi

Associate Professor of Persian languages and literature, Faculty of Literature and foreign languages, Islamic Azad University Tabriz, Iran farzi@iaut.ac.ir

Abstract

Katebi Nieshaburi is one of the famous poets of ninth century AH and is a pioneer of the Indian style. His divan (collection) of Ghazals (sonnets) has been corrected and published only once using a limited number of manuscripts. The published divan of sonnets of Katebi does not include all of his sonnets; so that there are 124 sonnets more than published version in other manuscripts that the correctors have not used them. In addition to the corrected divan, there are shortcomings that necessitate re-correction of this divan. There are defects such as lack of complete introduction and tables of content, lack of a section called glosses, incorrectness of the alphabetic order of sonnets for easy reference, existence of mistypes, missing words and incorrect refrains and so on, which necessitate exact correction of this eminent poet for eliminating these shortcomings. The purpose of this paper is to elaborate on the dimensions the defects of the Katebi' published divan and to provide a context for improvement. To correct the problems in divan, seven new manuscripts were not used by the correctors. Because none of the manuscripts is significant in terms of accuracy, dating, and completeness over the other, problems in the published version of divan have been corrected by the eclectic method.

Keywords: Re-correction, Katebi Neishaburi, Ghazals (Sonnets), Printed Mistakes, False Preferences

* Corresponding author

فصل نامه متن شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)

معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان

سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم

شماره چهارم (پیاپی ۴۰)، زمستان ۱۳۹۷، صص ۸۵-۱۱۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۳

ضرورت تصحیح دوباره دیوان غزلیات کاتبی نیشابوری

بهرام بشیری* - رستم امانی** - حمیدرضا فرضی***

چکیده

کاتبی نیشابوری از شاعران معروف قرن نهم هجری و از زمینه سازان سبک هندی است. دیوان غزلیات او تنها یک بار با استفاده از نسخه های خطی محدودی، تصحیح و چاپ و منتشر شد. دیوان چاپی کاتبی همه غزل های او را در بر ندارد؛ به طوری که در مجموع نسخه های خطی دیگر - که مصححان از آنها استفاده نکرده اند - ۱۲۴ غزل بیش از نسخه چاپی وجود دارد. افزون بر این، دیوان تصحیح شده کاستی های دیگری نیز دارد که تصحیح دوباره آن را ضرورت می بخشد؛ اشکال هایی مانند نداشتن مقدمه کامل و فهرست های لازم، نبود بخشی با عنوان تعلیقات، درست نبودن ترتیب الفبایی غزل ها برای آسانی رجوع به آنها، اشتباهات تایپی بسیار، افتادگی حروف و کلمات، تصحیفات، ترجیحات نادرست، و... که برای رفع همه این کاستی ها لازم است تصحیحی منقح و دقیق از دیوان این شاعر برجسته ارائه شود. هدف این مقاله شرح مشکلات دیوان چاپی و اصلاح آنهاست. برای تصحیح مشکلات دیوان چاپی، از هفت نسخه خطی جدید استفاده شد که تصحیح کنندگان از آنها بهره نبرده بودند. هیچ یک از نسخه ها از نظر دقت و قدمت و کامل بودن، بر دیگری برتری درخور توجهی ندارد؛ به همین سبب اشکالات دیوان چاپی با روش التقاطی زدوده شده است.

واژه های کلیدی

تصحیح دوباره؛ کاتبی نیشابوری؛ غزلیات؛ اشتباهات چاپی؛ ترجیحات نادرست

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران bahrambashiri45@yahoo.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران (نویسنده مسؤول) amani@iaut.ac.ir

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران farzi@iaut.ac.ir

مقدمه

رهرو آن نیست که گه تند و گه آهسته رود رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

کمابیش بیشتر مردم این بیت معروف را شنیده و آن را در تأیید سخن خود به کار برده‌اند؛ اما کمتر کسی می‌داند که این بیت، مطلع غزلی از شمس‌الدین محمد کاتبی نیشابوری (ترشیزی) است. او یکی از معروف‌ترین شاعران قرن نهم بود که در سرودن غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، رباعی شهرت دارد. «کاتبی میان هم‌عصران مقامی بلند داشت و علی‌الخصوص در تتبع شیوه قدما توانا بود. قصاید متعدد و مثنوی‌های او که در غالب آنها با مهارت به صنایع مختلف توجه شده، نشان‌دهنده قدرت و قریحه وی هنگام درافتادن در مضایق شعر است و غزل‌های همگی، هم از لطافت ذوق او حکایت می‌کنند و هم نظم کلام و استواری سخن در آنها قابل توجه خاص است» (صفا، ۱۳۶۹، ج ۴: ۲۳۹). اشعار کاتبی با وجود تقلید او از شاعران پیشین، از ابتکار و خلاقیت خالی نیست. بیشتر آثار او تصحیح شده؛ اما اکنون فقط دیوان غزلیات کاتبی به صورت کتاب، چاپ و منتشر شده است. تقی وحیدیان کامیار با همکاری سعید خومحمدی خیرآبادی و مجتبی جوادی‌نیا در سال ۱۳۸۲ غزلیات کاتبی را در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی تصحیح و چاپ کرد. این چاپ برپایه پایان‌نامه دکتری آقای مجتبی جوادی‌نیاست. شاید محدودیت زمانی باعث شتاب‌زدگی شده و به آنها فرصت تهیه نسخه‌های دیگر از غزلیات کاتبی را نداده است. همچنین کم‌دقتی‌های برخاسته از شتاب‌زدگی در مراحل مختلف کار، امکان فراهم کردن نسخه‌ای بی‌عیب از دیوان کاتبی را از آنها گرفته و همین به راه یافتن اشکالات بسیار در دیوان تصحیح‌شده ایشان انجامیده است.

در این مقاله به تعدادی از کاستی‌های موجود در دیوان چاپی اشاره می‌شود تا لزوم تصحیح دوباره این غزل‌ها روشن شود. از جمله ایرادهای مطرح، استفاده نکردن مصححان از نسخه‌هایی است که در کتابخانه‌های ایران و کشورهای دیگر موجود است. به نظر می‌رسد آنها تنها از نسخه‌هایی استفاده کرده‌اند که دسترسی به آن آسان بوده و از نسخه‌های دیگر، که اعتبار بعضی از آنها بسیار است، بهره‌ای نبرده‌اند. همچنین مصححان از میان هفت نسخه معرفی شده در مقدمه دیوان، تنها به شش نسخه در تصحیح توجه داشته‌اند و از نسخه کتابخانه ملی ایران که در بخش معرفی نسخه‌ها از آن یاد شده است، هیچ استفاده‌ای نکرده‌اند. این آگاهی را از پاورقی، محل درج اختلاف نسخه‌بدل‌های کتاب، می‌توان دریافت؛ زیرا از ابتدا تا پایان کتاب حتی یک‌بار هم از نسخه نامبرده ذکری به میان نیامده است. از مشکلات دیگر دیوان چاپی، وجود اشکالات متعدد در ضبط ابیات است. اشکالات چاپی و بدخوانی‌ها و ترجیحات نادرست از جمله این مشکلات است.

در تصحیح دوباره، هفت نسخه خطی جدید به کار برده می‌شود که از این هفت نسخه، تنها نسخه کتابخانه ملی در دسترس مصححان بوده است و البته از آن استفاده‌ای نکرده‌اند. با انجام این تصحیح ۱۲۴ غزل به غزل‌های موجود در دیوان اضافه خواهد شد. این غزل‌ها از نسخه‌های معتبر برگرفته شده است و در انتساب آنها به کاتبی هیچ تردیدی نیست. همچنین مقدمه‌ای کامل و فهرست‌های مختلف و تعلیقات ضمیمه دیوان خواهد شد و تا حد امکان همه کاستی‌هایی که شعر کاتبی را از مسیر خود دور کرده است، چه کاستی‌های ناخواسته و چه آگاهانه، از دیوان این شاعر زدوده خواهد شد.

پیشینه پژوهش

پیشینه تصحیح دیوان

تقی وحیدیان کامیار و همکارانش در سال ۱۳۸۲ دیوان غزلیات کاتبی نیشابوری را در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی تصحیح و چاپ کردند. برپایه اظهار مصححان، آنها برای تصحیح دیوان کاتبی از هفت نسخه استفاده کرده‌اند:

- (۱) نسخه مرحوم محمود فرخ خراسانی که در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد نگهداری می‌شود. مصححان این نسخه را به سبب قدمت کتابت و کامل بودن، اساس قرار داده‌اند؛
- (۲) نسخه متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی؛
- (۳-۵) سه نسخه از کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران؛
- (۶) نسخه کتابخانه ملی ایران؛
- (۷) جنگ: مجموعه‌ای که از نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی است و دیوان کاتبی در حواشی آن آمده است.

تصحیح‌کنندگان همچنین یادآوری کرده‌اند که در میان نسخه‌های دیوان کاتبی، نسخه کتابخانه سلطنتی از همه معتبرتر و کامل‌تر است که برخلاف کوشش‌های بسیار و تماس‌های مکرر آنها با اولیای کتابخانه ملی، اثری از آن به دست نیامده است. گفتنی است علت اصلی توفیق نیافتن آنها در به دست آوردن نسخه نامبرده این بوده است که آنان کتاب مربوط به کتابخانه سلطنتی یعنی کاخ گلستان را از کتابخانه ملی می‌جسته‌اند. البته در پاورقی‌های دیوان، جایی که اختلاف نسخه‌ها درج شده، اثری از نسخه کتابخانه ملی نیست و این نشان می‌دهد که آنها نسخه نامبرده را بعد از پایان کار به دست آورده و نسخه اساس را با آن مقابله نکرده‌اند.

پیشینه نقد دیوان چاپی

مهدی نمازی در مجله گزارش میراث در مقاله‌ای با عنوان «در حواشی دیوان کاتبی» به بعضی از غلط‌های موجود در دیوان چاپی اشاره کرده؛ اما به سبب در دست نداشتن نسخه‌های خطی دیوان، بیشتر اشکالات را ندیده است. گاهی غلط‌ها را درست تشخیص داده؛ اما در تصحیح آن اشتباه کرده است.

روش پژوهش

در این پژوهش برای اصلاح مشکلات نسخه چاپی از هفت نسخه خطی استفاده شد. ابتدا نسخه‌های خطی معرفی و سپس هریک از مشکلات دیوان چاپی جداگانه بررسی می‌شود. در بخش تصحیح غلط‌ها، نخست صورت بیت از دیوان چاپی نقل و سپس برپایه نسخه‌های خطی معتبر، صورت صحیح بیت با توضیحات کوتاه ارائه شده است. هیچ‌یک از نسخه‌ها از نظر دقت و قدمت و کامل بودن، بر دیگری برتری درخور توجهی ندارد؛ به همین سبب اشکالات دیوان چاپی با روش التقاطی تصحیح شده است.

معرفی نسخه‌های خطی

نسخه‌هایی که در این بخش معرفی می‌شود، در تصحیح دیوان چاپی استفاده نشده است.

نسخه کاخ گلستان (کا)

این نسخه با نام مجموعه امیر خسرو دهلوی با شماره ۸۸۱ در موزه و کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود. خط نسخه کا، نستعلیق و قطع آن، وزیری است. سلطانعلی شیرازی در سال ۸۸۴ آن را به کتابت درآورده است. صفحات مجموعه امیر خسرو دهلوی جدول دارد و به چهار بخش تقسیم شده است. کاتب در هریک از بخش‌های آن، آثار یک شاعر را جای داده است. بخش اول یعنی حاشیه کناری، حاشیه عریضی است که قسمت بالا و کنار و پایین صفحه را

در بر می‌گیرد. در این بخش، کلیات کاتبی نیشابوری قرار گرفته است. در هر صفحه این بخش، حدود ۱۷ بیت از اشعار کاتبی جای دارد.

بخش دوم، حاشیه دوم کناری است که بعد از حاشیه عریض یادشده قرار دارد. دیوان کمال خجندی در این بخش نوشته شده؛ به طوری که مصراع‌ها مثل بخش اول و چهارم زیر هم کتابت شده است و حدود هفت بیت از اشعار شاعر یادشده را در خود جای داده است. بخش سوم، مستطیلی در وسط صفحه است که حدود چهارده بیت از اشعار امیرخسرو دهلوی در هریک از صفحات آن نوشته شده است و مصراع‌های دوم در امتداد مصراع‌های اول قرار دارد. بخش چهارم حاشیه داخلی است که به شیرازه صفحات نزدیک است. این بخش مثل بخش دوم حدود هفت بیت است و دیوان حافظ در این بخش نگارش شده است. به این ترتیب مجموعه امیرخسرو دهلوی شامل آثار چهار شاعر برجسته است. نسخه کاخ گلستان دقیق‌ترین و صحیح‌ترین نسخه‌هاست. این نسخه ۴ غزل از غزل‌های موجود در دیوان چاپی را ندارد؛ اما ۴۳ غزل از غزل‌های این نسخه در دیوان چاپی نیست.

نسخه دانشگاه استانبول (اس)

این نسخه کلیاتی از کاتبی نیشابوری است که در دانشگاه استانبول با شماره ۵۰۴ نگهداری می‌شود. سلطانعلی شیرازی، همان کاتب نسخه کاخ گلستان، در سال ۸۶۷ هجری نسخه دانشگاه استانبول را کتابت کرده است. خط این نسخه نیز نستعلیق است. حُسن این نسخه تقدم تاریخ کتابت است. کم‌دقتی کاتب در ضبط صحیح و غلط‌های آشکار و نداشتن تعدادی از غزل‌ها از معایب این نسخه است. این نسخه ۱۶ غزل از غزل‌های دیوان چاپی را ندارد.

نسخه تبریز (تب)

این نسخه در کتابخانه مرکزی تبریز به شماره ۱۵۰۲ نگهداری می‌شود. محمد بن محمود در سال ۸۸۰ آن را کتابت کرده است. نسخه «تب» دربرگیرنده کلیات آثار کاتبی است. این نسخه ۲۲۸ برگ و ۴۵۶ صفحه دارد. در هر صفحه این نسخه حدود ۱۴ بیت شعر به خط نسعلیق نوشته شده است. این نسخه ۳۰۸ غزل دارد که ۱۶ غزل آن در نسخه چاپی نیست.

نسخه کتابخانه ملی (مل)

این نسخه در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به شماره ۱۶۹۲۸ نگهداری می‌شود و ۲۳۵ برگ دارد. غزلیات و قصاید و قطعات و رباعیات در متن و مثنوی‌های شاعر در حواشی نسخه به خط نستعلیق نوشته شده است. پس از پایان یافتن رباعیات، بقیه مثنوی‌ها، هم در متن و هم در حواشی صفحات ادامه دارد. منظومه «دلربای» در این نسخه نیست. در سال ۸۸۸ هجری، حسن بن محمد شیخ سخت کمان در استرآباد این نسخه را کتابت کرده است. تعداد ابیات متن ۱۷ بیت و تعداد ابیات حواشی ۷ یا ۸ بیت است. تعداد غزل‌های آن ۵۲۸ است که ۱۱۰ غزل آن در نسخه چاپی نیست.

نسخه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (لی)

این اثر نیز نسخه دیگری است که به شماره اموال ۴۹۰ در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود. این نسخه ۲۷۰ صفحه ۱۷ سطری دارد و شامل قصاید و غزلیات و قطعات و رباعیات و مثنوی مجمع‌البحرین است. ترقیمه این نسخه افتاده و بنابراین تاریخ کتابت و کاتبش نامشخص است. این نسخه ۳۵۸ غزل دارد که ۱۸ غزل آن در نسخه چاپی نیست. مصححان نسخه چاپی نام این نسخه را در بخش معرفی نسخه‌ها آورده‌اند؛ اما در تصحیح از آن استفاده نکرده‌اند.

نسخه مجلس (مج)

این نسخه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۶۱۵ نگهداری می‌شود. خطش نستعلیق است و کاتب و سال کتابت آن معلوم نیست. به گمان بسیار در قرن نهم کتابت شده است. از پنج مثنوی کاتبی فقط سه مثنوی «ده باب» و «مجمع البحرین» و «سی‌نامه» در این نسخه است. در مجموع ۴۱۶ صفحه ۱۵ سطری دارد و تعدادی از قصاید و غزلیات و قطعات کاتبی را در بر گرفته است. این نسخه ۲۴۱ غزل دارد که یکی از غزل‌هایش در نسخه چاپی نیامده است.

نسخه مجلس (لس)

این اثر نسخه دیگری است که به شماره ۸۶۸۸ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. به سبب افتادگی‌های اول و آخر آن، تاریخ کتابت و نام کاتب مشخص نیست. ۴۱۰ صفحه ۱۴ سطری دارد. این نسخه تنها شامل قصاید و غزلیات و رباعیات و قطعات کاتبی است. نسخه لس ۴۳۷ غزل دارد که ۷۵ غزل آن در نسخه چاپی نیست.

کاستی‌های دیوان چاپی

کاستی‌های مقدمه نسخه چاپی

مقدمه نسخه چاپی در ۱۰ صفحه تنظیم شده است. این بخش در بردارنده شرح حال شاعر، ویژگی‌های شعر او، معرفی نسخه‌ها، و روش تصحیح است. مطالب مربوط به شرح حال کاتبی، کلی و برگرفته از منابع مختلف و بیشتر نقل قول مستقیم است. در ذیل عنوان «ویژگی‌های شعر کاتبی»، هیچ ویژگی مشخصی از شعر او نیامده و فقط مطالبی کلی از منابعی مانند تاریخ ادبیات در ایران از ذبیح‌الله صفا نقل شده است. در معرفی نسخه‌ها نیز اطلاعات چندانی ارائه نشده است. درباره بیشتر نسخه‌ها فقط سه نکته بیان شده است: (۱) محل نگهداری نسخه؛ (۲) شماره نسخه؛ (۳) علامت اختصاری آن. خلاصه مطلب اینکه مصححان می‌توانستند مطالب مقدمه را بسیار مفصل‌تر از مقدمه بیان‌شده ارائه کنند؛ به گونه‌ای که اطلاعات مفید بیشتری داشته باشد.

کاستی فهرست‌ها و تعلیقات

نسخه چاپی بعضی فهرست‌های لازم مانند فهرست اعلام و احادیث و امثال و منابع را ندارد. لازم بود کتاب بخشی با عنوان تعلیقات داشته باشد تا با توضیح نکات لازم، فهم اشعار برای مخاطبان آسان شود.

مشکل تبویب

ترتیب غزل‌ها در دیوان چاپی بر پایه حروف هجای آخر قوافی و سپس به ترتیب حرف اول بیت مطلع است. این شیوه مشکلاتی در یافتن ابیات به وجود می‌آورد؛ مثلاً اگر بخواهیم بیتی از دیوان کاتبی بیابیم که مطلع غزل نیست، یافتن آن دشوار خواهد بود. البته این ترتیب نیز در همه جا به درستی رعایت نشده و گاهی ترتیب الفبایی قافیه‌ها یا مطلع‌های غزل به هم خورده است؛ مثلاً غزلی با ردیف «لذیذ» داخل غزل‌هایی آمده است که قافیه آنها به حرف «د» پایان می‌پذیرد. گاهی نیز غزل‌های مربوط به یک حرف در دو بخش آمده است؛ مثلاً غزل‌هایی که حرف آخر قافیه آنها «د» است، به دو قسمت تقسیم شده است. بخش اول با غزل‌هایی شروع می‌شود که حرف آغازین مطلع آن «الف» است. این بخش سرانجام به مطلعی با حرف «م» می‌رسد. دوباره مطلع‌ها از حرف «الف» شروع می‌شود و تا آخرین حرف

ادامه می‌یابد. آیا بهتر نبود مصححان محترم همه غزل‌ها را بدون در نظر گرفتن مطلع آنها فقط بر پایه قافیه‌ها مرتب می‌کردند؟ شاید گفته شود آنها از ترتیبی پیروی کرده‌اند که نسخه اساس بر آنها تحمیل کرده بود و اشکال‌های ترتیب الفبایی غزلیات به سبب نسخه اساس است. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که پیروی از نسخه اساس تا چه حد لازم است؟ آیا اگر در نسخه اساس غلط‌های آشکار و مشخصی وجود داشته باشد، باز هم تصحیح‌کننده اختیار اصلاح آنها را با توجه به نسخه بدل‌ها ندارد؟ اگر جواب مثبت باشد، با توجه به توضیحات پاورقی دیوان چاپی، مصححان بارها این اصل را زیر پا گذاشته‌اند. از سوی دیگر در اساس بودن این نسخه جای تردید است؛ زیرا برخلاف ادعای مصححان، این نسخه نه اقدم و نه اکمل نسخه‌هاست. برای اثبات قدیمی بودن، تاریخ کتابت ندارد و برای رد کامل بودن آن همین بس که نسخه‌های کتابخانه کاخ گلستان و تبریز و ملی و مجلس در مجموع ۱۲۴ غزل از این نسخه بیشتر دارد. ترتیب غزل‌ها در هیچ‌یک از نسخه‌ها مثل هم نیست؛ بنابراین بهتر است برای آسانی مراجعه، غزل‌ها به‌طور اصولی مرتب شود.

نداشتن شیوه نگارش یکسان

یک‌دستی شیوه نگارش باعث اعتبار و زیبایی هر کتابی است و تکلیف خواننده را مشخص می‌کند. گاهی در کتاب نامبرده به این موضوع توجهی نشده است.

چسبیدن پیشوند «می» به فعل

دقت در بیت زیر، مشت نمونه خروار است، نشان می‌دهد که در دیوان چاپی گاهی پیشوند «می» متصل به فعل و گاهی جدا از آن نوشته شده است:

هر زمان از حسن میگردد گلت آشفته‌تر نو بهارت را چمن‌آرایی افزون می‌شود

(کاتبی، ۱۳۸۲: ۱۱۰)

چسبیدن پیشوند فعل مرکب به آن

مصدر و فعل مرکب باید جدا از هم نوشته شود. در نسخه چاپی در بیشتر موارد به این شیوه عمل شده است؛ اما گاهی مثل بیت زیر، همان شیوه نگارش به نسخه چاپی منتقل شده است:

دستگیر ای مه که دست هجر را تابی دهم روی چون آتش نما تا دیده را آبی دهم

(همان: ۱۷۵)

به جای «دستگیر»، «دست گیر» درست است.

چسبیدن «ها»ی جمع به کلمات مختوم به «ها» غیرملفوظ و افتادن «ها» غیرملفوظ از آخر آن

چو باده نوش کنی یاد دردنوشان کن کباب از دل و از سینه‌های جوشان کن

(همان: ۲۰۰)

به جای «سینه‌های»، «سینه‌های» درست است.

غلط‌های چاپی

گاهی تشخیص اشتباهات چاپی از اشکالاتی که با اختیار و ترجیح مصححان اتفاق افتاده، کار آسانی نیست. به همین سبب در این مقاله آن اشکالاتی در شمار اغلاط چاپی ثبت شد که در پاورقی، محل ضبط اختلاف نسخه بدل‌ها، توضیحی درباره آنها نیامده است؛ هرچند ممکن است بسیاری از آنها اختیار مصححان باشد. اشکالات دیگر - اشکالاتی که در بخش ضبط نسخه بدل‌ها توضیح دارد - در بخشی با عنوان ترجیحات نادرست ذکر شد. منشأ غلط‌های چاپی

مختلف است؛ مانند التباس حرفی با حرف دیگر، کم یا زیاد شدن نقطه یک حرف، جابه‌جایی حروف، اضافه یا کم شدن حرف یا کلمه و

التباس حروف باهم: گاهی حرفی مثل «ب» و «پ»، «ک» و «گ»، «ج» و «چ»، «د» و «ر» و ... با هم اشتباه گرفته شده و در بیت مشکل ایجاد کرده است:

التباس حروف «ب» و «پ» در کلماتی مانند پیش و بیش، بیشتر و پیشتر، بیشه و پیشه

به سوزن مژه حورت ز پای خار کشد دمی که بازکشی باز خارزار جهان

(همان: ۱۹۶)

مل و مج این غزل را ندارد. در نسخه‌های دیگر به جای «باز»، «پا ز» آمده است که با توجه به معنی بیت ضبط درستی است.

لاله چو ارغوان، تو هم پیش گل عذار او بس که بیاستاده‌ای ریخته خون به پای تو

(همان: ۲۰۹)

در همه نسخه‌ها مصراع دوم به صورت «بس که به پا ستاده‌ای ریخته خون به پای تو» ضبط شده که بدون شک درست است.

ای سوار عرصه خوبی! ز دستم شد عنان

پیش از این تا چند باشد پای هجران در رکاب

(همان: ۳۶)

صورت صحیح: بیش

هزار سال اگر گویمت حکایت خویش هنوز قصه من اندکی بود از پیش

(همان: ۱۵۳)

صورت صحیح: بیش

مضمون «اندکی از بیش گفتن» در متون ادبی پیشینه دارد؛ مثل بیت زیر از سعدی:

نیک بسیار بگفتیم در این باب سخن و اندکی بیش نگفتیم هنوز از بسیار

(سعدی، ۱۳۶۹: ۷۲۰)

زهراب فراق است در آن غمزه چون نیش هر روز از آن، ریش درون می‌شودم پیش

(کاتبی، ۱۳۸۲: ۲۸۵)

صورت صحیح: بیش

به کمی در ره فقر از همه عالم پیشم پادشاهم نتوان گفت که من درویشم

(همان: ۱۷۱)

صورت صحیح: بیشم

طعنه کم زن که از این پیش فغان پیشت بود قسوت ناله نمادست از آن خاموشم

(همان: ۱۳۶)

صورت صحیح به ترتیب: پیش و بیشتر

یار بر دل تیرها می‌زد مرا زین بیشتر
یاد آن کو یاد می‌آورد گه‌گاه از دلم
(همان: ۱۸۵)

صورت صحیح: بیشتر

بیشتر زان دم که خاک ما رود بر باد عشق
خویش را بر آب آتش رنگ می‌باید زدن
(همان: ۱۹۴)

صورت صحیح: بیشتر

برون خرام چو شیران ز مرغزار جهان
تو شیر پیشه عشقی مشو شکار جهان
(همان: ۱۹۶)

صورت صحیح: بیشه

التباس «ج» و «چ»؛ «ش» و «س» در کلماتی مثل چشم و جسم

ضبط «جسم» یا «چسم» به جای «چشم»

تیغ هجران کرد دیگر قصد جان مردمان
رفت خورشیدی ز جسم خون‌افشان مردمان
(همان: ۱۹۹)

ترکیب «چشم خون‌افشان» در شعر بیشتر شاعران دیده می‌شود؛ از جمله در بیت زیر از حافظ:

مرا چشمی است خون‌افشان ز دست آن کمان ابرو

جهان بس فتنه خواهد دید از آن چشم و از آن ابرو

(حافظ، ۱۳۲۰: ۲۸۵)

کاتبی جسم خود از خون جگر تر می‌دار
سرخ‌رو گردی اگر گوش بدین پند کنی
(کاتبی، ۱۳۸۲: ۲۳۱)

مضمون «چشم خود را با خون یا آب جگر تر داشتن» از مضامین آشنا در ادبیات فارسی است؛ چنانکه در بیت زیر

از عطار دیده می‌شود:

چون ندارم هیچ آبی بر جگر
پس چگونه چشم تر دارم ز تو

(عطار، ۱۳۸۴: ۵۵۵)

التباس «د» و «ر»

بر مستی زاهد به خرابات نکو نیست
وقت است کزو یک دو سه ساغر گذرانند

(کاتبی، ۱۳۸۲: ۱۹۹)

صورت صحیح: بدمستی

پاک کردم دل و امید زیادم آن است
که گرم تیر زند هم به دل پاک زند

(همان: ۱۰۷)

در همه نسخه‌ها «یارم» آمده است؛ بنابراین ضبط «یادم» در نتیجه بدخوانی یا اشتباه چاپی است.

غنیمت است حریفان سهیل طلعت ساقی
که آن ستاره به هر مدتی مدیر برآید

(همان: ۱۱۲)

برپایه ضبط نسخه‌ها و قافیه غزل و کلمه مجاور، «مدید» درست است. بدخوانی مصححان و بی توجهی آنها به قافیه موجب این اشتباه است.

برخویی نیکویان پروردن جان باشد گر آن منی ای دل خوگیر به بدخویان

(همان: ۲۰۶)

برپایه ضبط همه نسخه‌ها صورت صحیح مصراع اول به این شکل است: «بدخویی نیکویان پروردن جان باشد».

زلف ساقی را طناب سایه‌بان عمر دان باده خود کز خیمه افلاک می‌باید شدن

(همان: ۱۹۶)

ضبط صحیح در همه نسخه‌ها به جای «خود»، «خور» است.

رخی است زرد مرا بهر زلف شیرنگت بلی بود زر سرخ از برای دور سیاه

(همان: ۲۱۳)

غیر از نسخه تب که این غزل را ندارد، در سایر نسخه‌ها به جای «دور»، «روز» ضبط شده که باتوجه به معنی بیت، درست است. در این نمونه مصححان «ر» را با «د» اشتباه گرفته و نقطه «ز» را ندیده‌اند.

می‌دهد چنگ تو یادش ز قدم در مجلس مطربا رحمت حق بار تو را بر سر چنگ

(همان: ۱۶۰)

این غزل در برخی نسخه‌ها نیست. در نسخه‌های اس و کا و مل به جای «بار»، «باد» آمده که درست است.

التباس «د» با «و»

یار بر فتراک بندو صید تیر غمزه را کشته آن صید و آن فتراک می‌باید شدن

(همان: ۱۹۶)

ضبط صحیح در همه نسخه‌ها به جای «بندو»، «بندد» است.

التباس «ذ» با «ز»

مدعی پیش تو صد قصه گذارد از من مشنو قصه او و سخن من بشنو

(همان: ۲۰۷)

این غزل تنها در نسخه‌های اس و کا و مل وجود دارد و در آنها کلمه «گذارد» با املائی «گزارد» ضبط شده که باتوجه به معنی، درست است.

التباس «ر» با «ل»

ای دل بهر سرای جهان را که دوزخی است تا در بهشت بهر تو قصری بنا کنند

(همان: ۸۵)

باتوجه به ضبط نسخه‌های خطی، صورت صحیح «بهل» است.

التباس «ر» و «و»

آب رخ ما کاه گل خانه تن بود بر خوان فنا دست بشویم از این گل

(همان: ۱۶۵)

این بیت در برخی نسخه‌ها نیامده و در نسخه‌های تب، مل، اس، کا، به جای «بود»، «برد» آمده که باتوجه به معنی بیت، صحیح است.

وسيله مژده مهري ز مهرجويي چند فلک رساند سلامی ز ماه‌رویی چند
(همان: ۸۴)

در همه نسخه‌ها به جای «وسيله»، «رسيد» است که با توجه به معنی بیت کاملاً درست است.

التباس «ر» و «ه»

سپر عقل که بشکست مرو از پی او چون کسی در عقب لشکر بشکسته رود؟
(همان: ۱۱۸)

غزلی که این بیت در آن آمده، در نسخه‌های مج و لس و لی نیامده است. مصراع اول در دیگر نسخه‌ها به صورت «سپه عقل که بشکست مرو از پی او» ضبط شده که درست است.

چون نه از دل اثری ماند و نه از جان رهی ناله کیست که از خانه تن می‌آید
(همان: ۱۰۴)

به جای «رهی» در همه نسخه‌ها «رمقی» آمده که ضبط صحیحی است.

ای کاتبی افغان مکن در آستان او بسی

کز قصه خود بهر گدا سلطان نمی‌آید برون
(همان: ۱۹۸)

اس و لس این غزل را ندارد. در بقیه نسخه‌ها به جای «قصه»، «قصر» آمده که صورت صحیح کلمه است.

التباس «ز» با «ی»

دلیم بگرفت از تنهانشینی بیا از درد تا تنهانشام
(همان: ۱۷۱)

مج این غزل و لس این بیت را ندارد. در سایر نسخه‌ها به جای «از»، «ای» ضبط شده که درست است.

التباس «س» و «م»

کسی کو دید چشم دلستانش سبک گردید سست و سرگراش
(همان: ۱۵۳)

در همه نسخه‌ها به جای «سست»، «مست» آمده که با توجه به معنی بیت، درست است.

خون دل بر چهره زردم چو بینی مشکش مکه خود حیف دان بر روی قلب اندود من
(همان: ۱۹۴)

در همه نسخه‌ها به جای «مکه»، «سکه» آمده که کاملاً درست است.

با مست مگوئید که میخانه گشادند بسیار کمی جان دهد از شادی ناگاه
(همان: ۲۱۶)

در نسخه‌های دیگر به جای «کمی»، «کسی» ضبط شده که درست است.

التباس «ک» و «گ»

چه گم شود ز تو ای نوبهار گلشن جان که خار هجر من از وصل گلستان سازی
(همان: ۲۲۱)

ترجیح «گم» به جای «کم» در این بیت خطاست؛ زیرا وقتی کسی را به کاری ترغیب می‌کنند به او می‌گویند اگر تو در حق من این لطف را به جای آوری، چیزی از تو کم نخواهد شد و نمی‌گویند چیزی از تو گم نخواهد شد. مثال از مولانا:

ای تو ملول از کار من، من تشنه‌تر هر ساعتی

آخر چه کم گردد ز تو کز تو برآید حاجتی

(مولوی، ۱۳۸۹: ۷۳۹)

مثال از حافظ:

ای شاه شیرگیر چه کم گردد از شود در سایه تو ملک فراغت میسر

(حافظ، ۱۳۲۰: ۲۲۵)

پی صوتش همه کوشیم چون عود به دیدارش همه چشمیم چون نی

(کاتبی، ۱۳۸۲: ۲۳۰)

صورت صحیح: گوشیم

شد دامن چشمم چو فلک پر گهر و لعل تا گرد شه عشق در گنج کرم باز

(همان: ۱۴۴)

معنی: از زمانی که شاه عشق در گنج کرم را باز کرد، دامن چشمم مانند فلک پر از گوهر و لعل شد؛ بنابراین به جای «گرد»، «کرد» درست است.

هرکس طریق نام گرفتند کاتبی دارد به دولت طریق از نام و تنگ، تنگ

(همان: ۱۶۱)

شاعر در بیت می‌گوید: ای کاتبی! همه راه شهرت طلبی را در پیش گرفتند، ولی من به سبب گرایش به عرفان، نام و ننگ را ننگ می‌شمارم؛ بنابراین به جای «تنگ، تنگ»، «ننگ، ننگ» درست است.

ساقی ما کشته خضر و کاسه سرها قدح ما ز مستی نقل را ریگ بیابان کرده‌ایم

(همان: ۱۸۳)

باتوجه به معنی بیت به جای «کشته»، «گشته» صحیح است.

جهل گشته است تو را، تیغ کش و خونس ریز

قصه این بود که گفتم، برسانش به قصاص

(همان: ۱۵۴)

در اینجا شاعر چنین می‌گوید که چون جهل تو را کشته پس تو نیز تیغ بکش و خون جهل را بریز و او را قصاص کن؛ پس ضبط «کشته» درست است.

گر تصوف خواهی ای صوفی، صف رندان طلب

کز صفای صفا صوفیه کردی سینه صاف

(همان: ۱۵۷)

باتوجه به معنی بیت، «گردی» درست است.

درویش را مفلس مبین گوهر نفس زیر زمین آتش ز آه گرم رو در گنج فارون افکند

(همان: ۱۳۷)

در نسخه‌های تب، مج، لس، لی، به‌جای «گوهر نفس»، «کو دم‌به‌دم» آمده و نسخه مل «کو هر زمان» و در نسخه‌های اس، کا «کو هر نفس» ضبط شده است باتوجه به همه ضبطها و معنی بیت، «گوهر» درست نیست و شکل درست، «کو هر» است.

چگونه گنج غمت ماندم نهان که فراق هزار نقب ز هر سو برین خراب زده
(همان: ۲۱۵)

باتوجه به معنی بیت، «گنج» درست است؛ زیرا فراق برای به دست آوردن گنج غم از هر سو نقب می‌زند. اصولاً نقب را برای دست‌یافتن به گنج می‌زنند. خاقانی می‌گوید:

چون زکاتی به من از گنج روان می‌دهند نقب‌زن گنج روان را نظرم بایستی
(خاقانی، ۱۳۶۸: ۸۰۴)

التباس «م» و «ت»

یک لحظه نمی‌آید در خانه من خوابم

ترسم که در این ویران دزدی به کمین باشد

(کاتبی، ۱۳۸۲: ۹۵)

مطابق ضبط نسخه‌ها به‌جای «من»، «تن» درست است.

التباس «م» و «ن»

تا که را داوی رسد از کعبتین مهر او

مزد را نتوان به دانش خوب و در خور باختن

(همان: ۱۴۷)

این غزل در لس و مل نیامده در سایر نسخه‌ها به‌جای «مزد»، «نرد» درج شده که بی‌تردید درست است.

التباس «م» با «ه»

در مکرمت و مرحمت او چه شک آرم

چون مست یقینم که کریم است و رحیم است

(همان: ۵۲)

برپایه همه نسخه‌ها و معنی بیت، صورت صحیح «هست» است.

دوش از هوی و رخ او پیچ و تاب می‌داشتم

خوش حریفی خوش شبی خوش ماهتابی داشتم

(همان: ۱۷۵)

در لس و لی به‌جای «هوی»، «زلف»، و در کا و اس «موی» آمده که «موی» صحیح است. همچنین در دیوان چاپی

«داشتم» که ردیف غزل است، در مصراع دوم نیامده است.

لاله ز تو سرخوش است سرو سهی سرگران هست هوای تواند بنده و آزاد هم

(همان: ۱۸۱)

مج و تب این غزل را ندارد. در سایر نسخه‌ها به‌جای «هست»، «مست» ضبط شده که ضبط درستی است.

مطربا هست شدم چنگ به قانون بنواز تا نگویند که در میکند بی قانونم

(همان: ۱۸۶)

غیر از مج که این غزل را ندارد، در سایر نسخه‌ها به جای «هست»، «مست» آمده که درست است.

چون کاتبی به مستی لعل تو جان دهد از خاک تریش بدهد شاخهای تاک

(همان: ۱۶۳)

در همه نسخه‌ها به جای «بدهد شاخهای»، «بدمد شاخه‌های» ضبط شده که صورت صحیح است.

التباس «ن» و «ی»

کاتبی کن به من نامه ناموس طی غیر می عشق وی عیش مهیات کو

(همان: ۲۰۹)

در تعدادی از نسخه‌ها این غزل نیست. در نسخه‌های کا و اس و مل به جای «من»، «می» آمده که صورت صحیح

کلمه است.

تصحیفات یا غلط‌هایی که اشتباه در نقطه، آن را ایجاد کرده است

زیادی یا افتادن و یا جابه‌جایی یک یا چند نقطه به‌طور عمدی یا سهوی، عامل اشکال در بعضی از ابیات شده است

که در ادامه بیان می‌شود.

کم‌شدن نقطه

کاتبی را گر بریزد خون و میرد در فراق در قیامت رو نجوید خون‌بهای خویش را

(همان: ۳۳)

به جای «رو»، «زو» درست است.

چو حاکم می‌دهد بر باد زلف عنبرافشانش در آب رویم آتش می‌زند چاه زرخدانش

(همان: ۱۴۹)

صورت صحیح: حاکم

چند منت کشم از هجر بی کشتن خویش گر اجل تا من از این منت هجران برهم

(همان: ۱۶۹)

نسخه‌های تب و مج این غزل را ندارد. در بقیه نسخه‌ها ضبط درست بیت به شکل زیر آمده است:

چند منت کشم از هجر پی کشتن خویش کو اجل تا من از این منت هجران برهم

جابه‌جایی نقطه

شادی و غم روز وصال و شب هجران لذات و بلیات نعیم است و حجیم است

(همان: ۵۲)

باتوجه‌به تقابل کلمه «حجیم» با «نعیم»، «حجیم» در این بیت درست است.

من آن صیدم که تا خنجر کشیدن ندانم زنده باشم تا نباشم

(همان: ۱۷۱)

به جای «تا»، «یا» درست است.

شد تنم از عشق خاک می‌بردش باد هم باد همیشه چنین بلکه تبر باد هم

(همان: ۱۸۱)

در این بیت به‌سبب جابه‌جایی نقطه‌ها، «بتر» به «تبر» تبدیل شده است.

بیگانگی نماید میان من و سگت با جنس خویش زود توان آشناشدن

(همان: ۲۰۴)

برپایه ضبط همه نسخه‌ها و معنی بیت، «نماند» درست است.

تاب سر پنجه غمش نارید گر چو رستم همه به دستایند

(همان: ۱۲۸)

نسخه لی این غزل را ندارد. در نسخه‌های مج و لس این بیت وجود ندارد. در نسخه‌های اس، کا، مل، تب، به جای «دستایند»، «دستایند» آمده که باتوجه به معنی بیت و قافیه غزل درست است.

ای دانه دُر آخر هر موج توست مجری تا چند همچو ماهی تابی به روی تابه

(همان: ۲۱۳)

در همه نسخه‌ها به جای «مجری»، «بحری» ثبت شده که صورت درست کلمه است.

افتادگی‌ها

گاهی افتادن حرفی از یک کلمه یا حذف آن موجب اختلال در وزن و معنی بیت شده است.

افتادگی حروف

سرای عقل و قصر صبر نیکو محک‌اند اما

زلزل چون ز عشق آید هم این افتد هم آن لرزد

(همان: ۱۲۶)

در همه نسخه‌ها به جای «محک‌اند»، «محکم‌اند» آمده است.

ای دل از عالم به یاد دلربایی می‌روم چون وفادار به عشق بی‌وفایی می‌روم

(همان: ۱۷۰)

ضبط نسخه‌ها به جای «وفادار»، «وفاداران» است که باتوجه به وزن درست است.

مگر آتش شده کاتبی از سوز درون که ز سر تا قدمت جمله زبان می‌بینم

(همان: ۱۷۳)

این غزل در نسخه‌های اس، مج، لس، لی وجود ندارد. در نسخه مل این بیت وجود ندارد و در کا به جای «شده»، «شده‌ای» آمده که باتوجه به وزن شعر، ضبط درستی است.

بقیه شواهد در جدول زیر آمده است.

شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی
هر ریگ و سنگ تربتم <u>لعل</u> و یاقوتی شود	لعلی	۱۹۳	دل که معلوم نمی‌شد کز کجا گم کرده‌ام
چو خم ز باده <u>چنان</u> که دورم ار شکند	چنانم	۱۹۴	کاتبی <u>چو</u> رسید مزده قتل
کاتبی مویش <u>چو</u> دیدی از غلوی غم <u>پیچ</u>	میچ	۲۰۶	یا گل خودروی <u>نگین</u> است یا خود روی او
تا بگویم که مرا نیز <u>تمنایهست</u>	تمنایی	۲۱۹	بتان شهر مسیحا دمند کشته بسی
چون طبق آمد میان دیگ که برخواند سبک	دیگر	۲۲۶	پی تسخیر زلف <u>همچو شتش</u>
آفرین بر چشم ما بادا که جان <u>پروده‌ایم</u>	پرورده‌ایم	۲۲۹	که هست در دلش از داغ <u>عشقی</u> دردی
<u>توتیای</u> بهر چشم مردمان پروده‌ایم	توتیایی	۲۳۰	دل شد از دست <u>من</u> افتاده چنین بی‌سروپا
مگشای کاتبی <u>اگر</u> نیست مردمی	اگرت	۲۳۰	همه مردند و نادادی به <u>کس</u> حلوابی
نوشتن <u>نامه</u> چون کاتبی نزد تو برخوانش	نامه‌ای		

افتادگی کلمه

گنج مراد را خط خوبان بود طلسم وین گنج نامه‌ای که هیچ ازدها نیافت
(همان: ۴۱)

در مصراع دوم، بعد از «نامه‌ای» در همه نسخه‌ها، «است» ضبط شده که ضبط درستی است. وزن بیت نیز این نکته را تأیید می‌کند.

تا عرق دیدم بر آن رخ مست و بیخود گشته‌ام باشد از مخموری افتاده بر رویش عرق
(همان: ۱۵۹)

وزن مصراع دوم درست نیست. تعدادی از نسخه‌ها این غزل را ندارد. مصراع دوم در لس به صورت «باشد از میخوارگی افتاده بر رویش عرق»، در نسخه‌های کا و اس «باشد از مخموری افتاده بر رویش عرق» و در نسخه مل «باشد از مخموری ار افتاده بر رویش عرق» است که صورت اخیر درست به نظر می‌رسد. شواهد دیگر در جدول زیر آمده است.

شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی
شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی
۶۴	شمشیر عشق تیز ز سنگ <u>مزار است</u>	۱۷۰	این <u>غبار</u> برویم ز آستانه دل	۶۶	کاتبی مویش چو دیدی از غلوی غم
۷۰	هر شبی بر <u>جگر هزاران</u> داغ است	۱۷۶	ز <u>رمح</u> حاصل که بر سماک کشم	۷۰	هر شبی بر <u>جگر هزاران</u> داغ است
۹۴	کاتبی نظم تر و <u>آب و دامن پاک</u>	۱۸۴	صد شکر <u>چون بخت</u> همایون نشسته‌ایم	۹۴	کاتبی نظم تر و <u>آب و دامن پاک</u>
۱۳۵	گر چه <u>دست رسول</u> همه آن روز مباد	۲۰۰	وجود خشک من از <u>نقش سبزه</u> توست	۱۳۵	گر چه <u>دست رسول</u> همه آن روز مباد
۱۴۸	یک دم از عاشقی <u>شو غایب</u>	۲۰۲	فراغت کاتبی مرگ است و <u>من هجر</u> کی مانم	۱۴۸	یک دم از عاشقی <u>شو غایب</u>
۱۵۷	نقش <u>پیچاپیچ زلف</u> کو سر کفر آمدست	۲۱۰	هیچ <u>مست نیفتاد</u> چنین از هر سو	۱۵۷	نقش <u>پیچاپیچ زلف</u> کو سر کفر آمدست
۱۵۹	حسن دلبر جان عشق <u>جان</u> عاشق است	۲۱۷	چو درویشی که در <u>رفتن</u> بر آستان بوسه	۱۵۹	حسن دلبر جان عشق <u>جان</u> عاشق است
۱۶۲	مبارزی که به <u>شمشیر گشت</u> هلاک	۲۲۷	<u>بیر خنجر</u> چون آب حلق کاتبی اما	۱۶۲	مبارزی که به <u>شمشیر گشت</u> هلاک
		۲۲۹	در این <u>جهان</u> و <u>آن</u> بی نیاز و بیزار است		

اضافه بودن یک حرف

در بعضی ابیات حرفی به کلمه اضافه شده است:

ساقی خوش آمدی که ز قد چو طویی است صد کوثر روان شده در ساغر دو چشم
(همان: ۱۹۲)

به جز مج که این غزل را ندارد، در نسخه‌های دیگر به جای «طوبی است»، «طوبی‌ات» آمده که باتوجه به معنی بیت درست است. شواهد دیگر در جدول زیر آمده است.

شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی
۱۲۰	چه مرغی زیرکی ای کاتبی که وقت سخن	۱۹۹	منال کاتبی از صورت الله الله صوفی	صوت درست	صوت درست
۱۲۱	زنده آن دل که چون بختش به وفا یاری داد	۲۱۸	زمزم بر چاره ذقنت آب‌فروشی	چاه	چاه
۱۸۶	هرچه آید به غیر تو در چشمم	۲۱۹	چه حالت است که کسی را نمی‌رسد نفسی	کس	کس
۱۸۷	زانکه ما قند و لب و دلدار را دانسته‌ایم				لب دلدار

اضافه‌بودن یک کلمه

گاهی حرف یا کلمه‌ای به اشتباه به مصراع اضافه شده است:

شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی	شکل موجود در دیوان چاپی
۶۳	کوه غم ای دل هم‌آواز از من تنها بس است	۲۰۵	جوهر سر شناس عقل نداند که عشق چیست	جوهرشناس	جوهرشناس
۱۷۳	در درون خلوت ما خلوت ما آنچه بود آورده‌ایم	۲۱۶	ما را به سخن بی‌قدمان کی برد از راه	ما را سخن	ما را سخن
۱۸۳	بسته‌ایم احرام و جان به قربان جانان کرده‌ایم				جان قربان

جابه‌جایی حروف

گاهی جابه‌جایی حروف در سطح کلمه باعث ایراد شده است:

ای کاتبی ار طاقت دستان غمت نیست در عرصه مردی به از این رسمیتی نیست

(همان: ۵۸)

در همه نسخه‌ها به جای «رسمیتی»، «رستمی» آمده است؛ در درستی این ضبط شکی نیست و معلوم است که اشتباه نوشتاری (تایپی) است. وجود کلمه «رسمیتی» قافیه و وزن و تناسبات موجود در «دستان» و «مردی» را مختل می‌کند.

فاصله میان دو کلمه

گاهی منشأ مشکل، فاصله ایجادشده در میان دو بخش از یک کلمه است که در خوانش صحیح آن، اشکال ایجاد کرده است. گاهی نیز رعایت نکردن فاصله بین دو کلمه به اشکال در خوانش انجامیده است.

نبودن فاصله

گاهی حذف فاصله بین دو کلمه، آنها را به هم متصل کرده و کلمه جدیدی به وجود آورده است:

صفحه	شکل موجود در دیوان چاپی	صورت درست	شکل موجود در دیوان چاپی	صورت درست
۴۱	ایثار کرد تن، سرو آن خاک پا نیافت	سر و آن	رسته‌ام از بدو از نیک مرا قیدی نیست	بد و از
۵۱	که راست درد و جهان این چنین به‌جا درخواست	در دو جهان	در دسرای کاتبی زان نزد دلبر برده‌ام	درد سر ای
۷۵	نقاب هشت عرب‌وار دختر رزو برد	رز و برد	هزار قاصد از این درد می روان سازی	در دمی
۸۰	غنچه‌ها راز رخ ای باد برانداز نقاب	را ز رخ		

اعمال فاصله بین دو بخش از یک کلمه

با این کار، یک کلمه به دو کلمه یا بیشتر تبدیل شده است:

همه تن جان شوم و بر تو فشانم چون شمع **گر به مانند شیبی بر سر بالین توام**

(همان: ۱۷۰)

مصححان محترم در این بیت بدون توجه به متعدی بودن فعل «بمانند»، آن را به صورت «به مانند» ضبط کرده‌اند و کاملاً نادرست است.

صفحه	شکل موجود در دیوان چاپی	صورت درست	شکل موجود در دیوان چاپی	صورت درست
۲۲	چو رهروی که کند و رد خرقه‌دوزی را	کند ورد	گرد و صد سوگند خواهی خوردن از مهر و وفا	گر دو صد
۴۴	دل که بسیاری به گرد آن ز نخندان می‌دوید	آن ز نخندان	دو رها شد که در این دایره پرگاریم	دورها
۹۸	از شرب تو به غایت بی‌مشربی بود	توبه	هرگه ز سر و قامت او یاد کرده‌ایم	سرو قامت
۱۲۲	چو دید کاتبی خسته را و داعی گفت	وداعی	که روز فکر چو شب با دو روزگار جهان	باد و روزگار
۱۲۹	که می‌چو کم شو دم محتسب گمان نبرد	کم شوم	نمای زلف کج ای ساقی و با دل و جانم	ساقی و ربا
۱۴۶	کاتبی جمله را نیاز به دوست	بدو (به او)	به رو رها نتوانست برد چرخ برون	به روزها
۱۴۷	بر دو ز چشم صورت اگر اهل معنی	بر دوز		

ترکیبی از چند ایراد

گاهی در یک کلمه چند اشکال دیده می‌شود؛ جابه‌جایی نقطه و حروف و اعمال فاصله یا رعایت نکردن فاصله بین حروف یک کلمه و مشکل تشخیص تعداد نقطه باعث شده است که یک کلمه به کلمه یا کلمات دیگری تبدیل شود:

گرچه از نزد امانانم لیک خون آید نه آب **دامن خود گر بيفشارم و گر تابی دهم**

(همان: ۱۷۵)

اشتباه در تشخیص تعداد نقطه و جای آن و ایجاد فاصله بین دو بخش از یک کلمه باعث شده تا مصححان «تردامنام» را «نزد امانام» بخوانند. صورت صحیح مصراع اول در نسخه‌های دیگر چنین است: «گرچه از تردامنامم لیک خون آید نه آب»

کاتبی صبر در عدم پنهانست جانب او فرستت زود مرا

(همان: ۲۰)

افزوده شدن نقطه و جابه‌جایی آن و اضافه شدن حرف «نون» به کلمه، آن را به کلمه دیگری تبدیل کرده است. صورت صحیح مصراع اول در همه نسخه‌ها چنین است: «کاتبی صبر در عدم تنهاست». کاتبی در جایی دیگر از غزلیاتش مضمون این بیت را به شکل دیگری تکرار کرده است:

رفتی سوی شهر عدم ای صبر من هم می‌روم

بهر من آنجا چون رسی بنیاد افکن خانه‌ای

(همان: ۲۱۴)

ریزدم خون و هیچ باکش نیست شوخ از نیشان ندیده‌ام بی باک

(همان: ۱۶۳)

جابه‌جایی نقطه و افتادن حرف «ا» و در نظر نگرفتن فاصله، دو کلمه را به یک کلمه تبدیل کرده است. مصراع دوم در همه نسخه‌ها به صورت «شوخ از این سان ندیده‌ام بی باک» آمده است که باتوجه‌به وزن شعر و معنی آن، درست است.

عشق‌ورزی به تو غیر از دهننت حق نبود طبع موزون نفروشدند به دنیا و درم

(همان: ۱۶۹)

جابه‌جایی نقطه و افتادن حرف «ر»، کلمه «دینار» را به «دنیا» تبدیل کرده است. مصراع دوم در همه نسخه‌ها به شکل زیر آمده است: «طبع موزون نفروشدند به دینار و درم» که ضبط درستی است.

یار مشکین خط ما رفت و سلای تو نوشت کاتبی بی‌خط آن یار چه گویم چونم

(همان: ۱۸۶)

افتادن «م» از «سلامی» و افزوده شدن «تو» به جمله و افتادن «ن» از «ننوشت»، موجب اشکال در مصراع اول شده است. به جز مج که این غزل را ندارد، مصراع اول در دیگر نسخه‌ها چنین ضبط شده است: «یار مشکین خط ما رفت و سلامی ننوشت».

برسد چار سوی تو بهر نظری خاک شد دایره صد گوشه‌نشین از هر سو

(همان: ۲۱۰)

این بیت در سه جا افتادگی و بدخوانی دارد و باتوجه‌به ضبط همه نسخه‌ها، با اندکی اختلاف در نسخه‌ها، شکل درست بیت چنین است:

بر سر چار سوی مهر تو بهر نظری خاک شد دیده صد گوشه‌نشین از هر سو

ترجیحات نادرست

تفاوت این اشکالات با اشکال‌های بخش قبلی در آن است که گویا ایرادهای بخش قبلی سهوی بوده است و معلوم

نیست که مصححان به وجود چنین اشکالاتی آگاهی داشته‌اند یا نه؛ اما خطاهای این قسمت آگاهانه و عمدی انجام شده و صورت‌های اشتباه این بخش با توضیحاتی در پاورقی همراه شده است. آشکار است که این صورت‌ها، ترجیحات مصححان است و چون نادرستی این ترجیحات با دقت در نسخه‌های معتبر برای نگارندگان این مقاله اثبات شد، برای عنوان این بخش، ترجیحات نادرست در نظر گرفته شد.

بودیم همچو نافه همه عمر در ختا موی سفید بین و درون سیاه ما

(همان: ۱۷)

مصححان گمان برده‌اند کلمه «خطا» با «ط» در معنی «شهری از ترکستان» درست نیست؛ به همین سبب آن را برخلاف نسخه‌ی اساس خود به صورت «ختا» ثبت کرده‌اند. باتوجه به اینکه در لغت‌نامه‌های معتبری مانند دهخدا و معین هر دو شکل آن در معنی شهری در ترکستان است، ترجیح «ختا» بر «خطا» اشتباه است؛ زیرا با اختیار «خطا» زیبایی شعر افزوده می‌شود و «خطا» ایهام خواهد داشت؛ یکبار به معنی ختن و یکبار به معنی گناه و اشتباه. خطا در معنی ختن در شعر شاعران دیگر نیز آمده است:

ای مشک خطا خط سیاهت خورشید درم خرید ماهت

(عطار، ۱۳۸۴: ۱۱۲)

جگر چون نافه ام خون گشت کم زینم نمی‌باید

جزای آن که با زلفت سخن از چین خطا گفتیم

(حافظ، ۱۳۲۰: ۲۵۵)

امید برگ ز باد است بینوایان را که از کریم طمع‌ها بود گدایان را

(کاتبی، ۱۳۸۲: ۱۷)

مصححان در نسخه‌ی چاپی به جای «یار»، «باد» ضبط کرده و در پاورقی توضیح داده‌اند که در نسخه‌ی اساس، «یاد» آمده بود که باتوجه به سایر نسخه‌ها تصحیح شد. گفتنی است در نسخه‌ی اساس نیز «یار» ثبت شده که به سبب التباس «ر» و «د»، آن را «یاد» خوانده‌اند؛ همچنین در بعضی از نسخه‌بدل‌های ایشان (نسخه‌ی ۲) نیز «یار» آمده است. دیگر آنکه باتوجه به معنی بیت، «یار» نیز درست به نظر می‌رسد؛ زیرا بینوایان از یار و نه از باد، امید نوا و بخشش دارند. ضبط شماری از نسخه‌ها، از جمله نسخه‌ی کاخ گلستان، خوانش «یار» را تأیید می‌کند.

مرا آن مهر روشن گفت کز مهرم شوی پیدا

هر آن چیزی که آن مه گفت این مه می‌شود پیدا

(همان: ۳۱)

مطابق ضبط بیشتر نسخه‌ها، صورت مصراع اول چنین است: «مرا آن ماه روشن گفت کز مهرم شوی پیدا». افزون بر اشاره آشکار نسخه‌ها، برای اثبات درستی صورت اخیر می‌توان گفت همان‌طور که در مصراع دوم، «آن مه گفت» درست است، در

مصراع اول نیز «آن ماه روشن گفت»، صحیح است. همچنین تکرار قافیه، مانع درست‌بودن «پیدا» در مصراع اول است.

به سگان سر کویش چه کنی حمله به خویش

با بزرگان نتوان گفت حکایت به‌تعجب

(همان: ۳۸)

غزل مربوط به این بیت در بیشتر نسخه‌ها، به جز نسخه‌ی اساس دیوان چاپی و نسخه‌های تب و مل و لس، نیامده است. در نسخه‌ی تب به جای «حمله به خویش»، «حمله به شب» آمده و در نسخه‌های لس و مل، «حمله به خشم» ضبط شده است. با توجه به اینکه «به سگان سر کوی حمله به خویش کردن» معنی مشخصی ندارد، ضبط نسخه‌های لس و مل درست به نظر می‌رسد. همچنین در نسخه‌های لس و مل در مصراع دوم به جای «حکایت به‌تعجب»، «حکایت به‌غضب» آمده است. برای آنکه با بزرگان حکایت به‌تعجب گفتن وجهی ندارد و با توجه به ارتباط معنایی دو مصراع، ضبط نسخه‌های لس و مل درست است.

تشنه‌لب و خاکیم مپیچ عنان را گرچه سمندی است همچو باد روانت

(همان: ۴۰)

«آب» در این بیت بنابر علت‌هایی که ذکر می‌شود، ضبط درستی است: الف) در یکی از نسخه‌ی بدل‌های مصحح نیز «آب» آمده است؛ ب) در شش نسخه، از نسخه‌های نگارندگان این مقاله (همه نسخه‌هایی که این غزل را دارد)، «آب» ضبط شده است؛ ج) صفت «روان» برای آب مناسب‌تر است؛ د) تناسب «آب» با ترکیب «تشنه‌لب» در مصراع اول زیبایی بیت را افزون می‌کند.

ساقی بیا که دور فلک همچو آفتاب با صد هزار تیغ مرا در زمان گرفت

(همان: ۴۶)

این غزل تنها در نسخه‌های اس و مل و کاخ وجود دارد. ضبط نسخه‌های اس و کاخ، به جای «زمان»، «زبان» است. در نسخه‌ی مل، «میان» آمده است که درست به نظر می‌رسد. زیرا میان با «دور» تناسب دارد و همچنین کسی را با تیغ در میان گرفتن به معنی محاصره کردن اوست؛ اما درباره‌ی ضبط‌های دیگر، معنای روشنی وجود ندارد.

۷-۶۳

چون سر بُرد به‌جور و کشد در زمین به‌ناز

نازش برم که نازک و سرکش فتاده است

(همان: ۵۰)

در همه نسخه‌ها به جای «برم»، «کشم» آمده است که ضبط درستی است. افزون بر آن، ترکیب «ناز کسی را کشیدن» بیشتر کاربرد دارد و وجود «کشم» در مجاورت «نازک» و «سرکش» گوش‌نوازی بیشتری دارد.

در پاش میرم ارچه گویند در سایه سرو خواب خوش نیست
(همان: ۵۰)

در نسخه تب این غزل وجود ندارد. در سایر نسخه‌ها به جای «میرم»، «بمیرم» ضبط شده است که ضبطی درست است؛ زیرا با این انتخاب افزون بر تأیید نسخه‌ها، اختلال وزن بیت نیز اصلاح می‌شود.

کاتبی، ناله چو بلبل مکن از گل‌رویان زانکه ایشان چو تو هر لحظه شکاری گیرند
(همان: ۸۱)

در همه نسخه‌های نگارندگان این مقاله و در سه نسخه از نسخه‌بدل‌های دیوان چاپی به جای «شکاری»، «هزاری» ضبط شده است. همچنین مصححان در توضیحات خود «هزاری» را برتر دانسته‌اند؛ اما به متن وارد نکرده‌اند. بی‌تردید باتوجه به ضبط بیشتر نسخه‌ها و زیبایی‌های دیگری که با وجود آن به بیت اضافه می‌شود، ضبط «هزاری» درست است.

تو در نقاب شوی، ماه در نقاب شود فکن نقاب که هر ذره آفتاب شود
(همان: ۹۹)

در نسخه‌های کا، مج، لس، مل، لی، تب، «چو» به جای «تو» آمده است. باتوجه به این علت‌ها ضبط «چو» به «تو» برتری دارد: (۱) در بیشتر نسخه‌ها «چو» آمده است؛ (۲) از فعل جمله نیز مفهوم «تو» (شخص) را می‌توان دریافت؛ (۳) با کاربرد «چو» به جای «تو»، معنی شرط و زمان به کلام افزوده می‌شود.

پنداشتم ز موج غمت جان برم؛ ولی این سیل تند خانه به یکبار می‌برد
(همان: ۹۹)

در نسخه تب به جای «به یکبار»، «ز دیوار» و در مل و نسخه اساس دیوان چاپی «ز بنیاد» (این ضبط باتوجه به قافیه درست نیست) و در کا، لس، لی و در یکی از نسخه‌بدل‌های دیوان چاپی، «پندار» آمده است. در این بیت، «پندار» به علت‌های زیر صحیح است: (۱) ضبط چهار نسخه به این شکل است؛ (۲) وجود «پنداشتم» در اول بیت که به زیبایی‌هایی مانند اشتقاق و تصدیر انجامیده است.

شد پهلوی چاه ذقن پنهان چو صیادان دهن

بنگر که صید تشنه را چون قصد پنهان می‌کند
(همان: ۱۰۹)

ضبط شماری از نسخه‌ها «صیادان» است. تنها در نسخه‌های تب و اس، «صیاد آن» آمده که «آن» در اس بدون علامت مد و در تب با علامت مد است. بر صاحبان ذوق پوشیده نیست که «دهن» بدون «آن» چیزی کم دارد و معلوم نیست به کدام دهان اشاره می‌کند؛ بنابراین بهتر است مصراع به صورت «شد پهلوی چاه ذقن پنهان چو صیاد آن دهن» باشد. علت اصلی برای ضبط نسخه‌های دیگر به شکل «صیادان» شاید کمی جا و پایبند نبودن به ایجاد فاصله بین کلمات و رعایت نکردن علامت مد باشد.

رخش را کاتبی گه شمع خواندی گاه مهر و مه

نگو تقریر کردی نور از این تقریر می‌بارد

(همان: ۱۱۳)

مصراع دوم به صورت «نگو تقریر کردی نور از این تقریر می‌بارد» درست است. معنی بیت اینچنین است که ای کاتبی، صورت معشوق را گاهی به شمع تشبیه کردی و گاهی به ماه و خورشید. چهره او را خوب توصیف کردی که از این توصیف تو نور می‌بارد. اشتباه برخاسته از توجه نکردن به معنی بیت است؛ «نگو» در همه نسخه‌ها به صورت «نگو» ثبت شده است.

سوختم زین دل صد پاره که هر روز ز نو پنجه در پنجه زرین کمری اندازد

(همان: ۱۵۹)

آقای مهدی نمازی در مقاله «در حواشی دیوان کاتبی» نوشته اند: «به تصریح مصحح محترم در مصراع نخست مصراع اساس به جای «هر روز ز نو»، «هر ذره از او» و مصحح آن را با توجه به نسخه‌های دیگر تغییر داده است؛ در صورتی که نه تنها ضبط نسخه اساس فاقد اشکال است و وجهی در تغییر آن نیست، بلکه با توجه به مصراع دوم مناسب‌تر هم هست» (نمازی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). نظر آقای نمازی را نسخه‌های کا و اس - هر دو از نسخه‌های معتبر دیوان کاتبی است - تأیید می‌کند.

کاتبی هر که ز زلف و رخ یار آگه بود وقت رفتن ز غم هر دو جهان رسته رود

(همان: ۱۱۸)

در نسخه‌های میج و لس و لی غزل مربوط به این بیت نیامده است. در نسخه‌های دیگر به جای «بود»، «شد» ضبط شده است که مناسب به نظر می‌رسد.

ز جان همیشه قدش سرو ناز می‌خوانند چه سرو ناز که عمر دراز می‌خوانند

(همان: ۱۱۸)

در دیوان چاپی، ردیف غزل تا پایان «می‌خوانند» ضبط شده است. مصحح در پاورقی اشاره کرده که در سه نسخه از نسخه بدل‌های او، «می‌خوانند» ردیف این غزل است. از میان نسخه‌های خطی نگارندگان این مقاله نیز تنها در نسخه اس ردیف «می‌خوانند» ضبط شده است و در بقیه نسخه‌ها، «می‌خوانند» ردیف است. با توجه به بعضی از ابیات این غزل، «می‌خوانند» صحیح است و «می‌خوانند» قطعاً ردیف این غزل نیست؛ از جمله در ابیات زیر:

در آن هوا که کبوتر نمی‌کند پرواز	پراند مرغ دلم را و باز می‌خواند
کسی ز تربت محمود می‌رسد به مراد	که پیش فاتحه بهر ایاز می‌خواند
حقیقتی نبود کاتبی به تحقیقش	کسی که عشق چنین را مجاز می‌خواند

در بیت اول، فاعل فعل‌های «پراند» و «باز می‌خواند» یکسان است و ممکن نیست فعل اول مفرد و فعل دوم، جمع باشد. در بیت دوم و سوم، «کسی» فاعل است و برای هر دو، فعل مفرد لازم است.

چنین اول که در کین داشت کین کاتبی زلفش

دویی گر داشت در سر پیش از این اکنون یکی باشد

(همان: ۱۲۰)

دربارهٔ مصراع نخست این بیت، دو مشکل وجود دارد:

الف) در نسخه‌های اس و کا، به جای «کین»، «سر» ضبط شده که اگر در سایر کلمات این مصراع اختلاف نظر نباشد، ضبط اس و کا دربارهٔ این کلمه درست است.

ب) در نسخه‌های مج، لس، مل، لی، تب، مصراع اول به صورت «چنان اولی که در سودا به مسکین کاتبی زلفش» آمده است. ضبط نسخهٔ اساس دیوان چاپی نیز به این صورت بوده که مصححان مطابق نسخه‌های دیگر متن را اصلاح کرده‌اند.

ضبط «چنان اولی که در سودا به مسکین کاتبی زلفش» را به علت‌های زیر بر ضبط متن می‌توان ترجیح داد:

۱) این صورت با ضبط بیشتر نسخه‌ها از جمله ضبط نسخهٔ اساس دیوان چاپی مطابق است؛

۲) با اختیار این صورت، معنی بیت روشن‌تر می‌شود؛

۳) ضبط «چنین اول» از نظر دستوری خالی از ایراد نیست؛ اما در ضبط «چنین اولی»، از این دیدگاه ایرادی وجود ندارد.

گناه‌بخشی آن چشم آهوانه نگر که خون من به سگ تازیانه می‌بخشد

(همان: ۱۲۱)

به جز نسخهٔ اس که ضبط آن مطابق با متن دیوان چاپی است، در سایر نسخه‌ها به جای «تازیانه»، «آستانه» آمده است که به علت‌های زیر، ضبطی درست است:

۱) قافیهٔ بیت پیشین نیز «تازیانه» است و تکرار قافیه در غزلیات کاتبی پیشینه ندارد؛

۲) افزون بر پنج نسخه از نسخه‌های خطی نگارندگان این مقاله، از جمله نسخهٔ معتبر کا، دو نسخه از نسخه‌بدل‌های مصححان نیز همین ضبط «سگ آستانه» را تأیید می‌کند.

۳) کاربرد ترکیب «سگ تازیانه» در شعر کاتبی و در سایر متون ادبی پیشینه ندارد. همچنین معنی درستی نیز از آن به دست نمی‌آید. ترکیب «سگ آستانه» در بیت زیر آمده است:

وحشی چرا به ننگ نمیری که پیش او از غیر کمتری ز سگ آستانه هم

(وحشی بافقی، ۱۳۷۳: ۹۹)

مرا گویی برآور جان، روان از بهر ایشارم گناه از جانب جان است، جانم بر نمی‌آید

(کاتبی، ۱۳۸۲: ۱۲۳)

در چهار نسخه از نسخه‌بدل‌های دیوان چاپی و در نسخه‌های کا، لس، لی، مل به جای «جان نیست»، «من نیست» آمده است که ضبطی درست است. در واقع شاعر با این ضبط بدون تکرار کلمهٔ «جان»، خود را تبرئه کرده است.

با کوی تو با نیاز آیم سجده ز پی نماز باشد

(همان: ۱۲۴)

صورت درست بیت در همهٔ نسخه‌ها به شکل زیر است:

در کوی تو با نیاز آیم مسجد ز پی نماز باشد

چه غم ای خسرو خوبان تو را بر بستر غیرت

گدای دربه در گر همچو سگ بر آستان لرزد

(همان: ۱۲۶)

مج و لس و لی این بیت را ندارد و در نسخه مل به جای «بستر غیرت»، «مسند عشرت» آمده است. در نسخه‌های اس و کا، به جای «غیرت»، «عشرت» ضبط شده است. باتوجه به معنی بیت، ضبط «عشرت» صحیح است.

مرا آن غمزه غارت کرد و باز از جنگ می پرسد

چه حال است اینک ره می بیند و فرسنگ می پرسد

(همان: ۱۳۲)

ضبط نسخه‌های اس و مج و لی مطابق متن است. در نسخه‌های کا و تب و لس و در دو نسخه بدل از دیوان چاپی به جای «ره»، «ده» ضبط شده است. در *امثال‌الحکم* نیز به این شکل آمده است: «ده بینی و فرسنگ می‌پرسی» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۸۴۴). در خسرو و شیرین نظامی این مثل به صورت زیر آمده است:

چو کوران گر نه لعل از سنگ پرسم چرا ده بی‌سنگ و فرسنگ پرسم

(نظامی، ۱۳۶۳: ۲۰۸)

در دیوان چاپی کاتبی نیز در غزل دیگر همین ضرب‌المثل تکرار شده و در آن بیت، مثل به شکل درست ضبط شده است:

کعبه دور است دلا بادیه پیمای چو باد سعی آن نیست که ده بینی و فرسنگ

(کاتبی، ۱۳۸۲: ۱۶۲)

با این شواهد در درستی ضبط «ده» به جای «ره» شکی نمی‌ماند.

کاتبی را سوی مسجد مطلب زان ابرو کعبه آنجاست که روی دل شاهد باشد

(همان: ۱۳۶)

در بیشتر نسخه‌بدل‌های دیوان چاپی و در همه نسخه‌های نگارندگان این مقاله، بیت به شکل زیر ضبط شده است:

کاتبی را سوی مسجد مطلب زان ابرو کعبه آنجاست که روی دل ساجد باشد

یازده نسخه این ضبط را تأیید می‌کند. همچنین دقت در معنی بیت نیز نشان می‌دهد کاتبی ابروی شاهد را قبله خود دانسته و روی دل خود (ساجد) را به سوی آن (شاهد) کرده است؛ نیز آرایه‌ای که بین مسجد و ساجد وجود دارد، بین مسجد و شاهد نیست.

در حشر که پرتو شود مشعل خورشید روشن شود آتشکده ما ز دم صور

(همان: ۱۴۲)

در نسخه‌های تب و لس به جای «پرتو»، «بی‌تاب» آمده و در نسخه‌های کا، اس، مج، مل، «پرتاب» آمده است.

مصححان دیوان چاپی نیز پرتاب شدن مشعل خورشید در روز قیامت را پذیرفته و نوشته‌اند: «ظاهراً «پرتو» که تحت تأثیر لهجه است، مناسب‌تر باشد». برخی بر این باورند که «پرتاب» با تأثیرپذیرفتن از لهجه به «پرتو» تبدیل شده است؛ در رد این نظریه علت‌های زیر را می‌توان بیان کرد: الف) کمابیش در همه نسخه‌ها، به‌جز نسخه اساس دیوان چاپی، «بی‌تاب» یا «پرتاب» ضبط شده است و هیچ‌یک از آنها «تاب» را به شکل «تو» نیاورده است؛ ب) در هیچ کلمه‌ای از کلمات اشعار کاتبی، تأثیرپذیری از لهجه محلی دیده نمی‌شود؛ بنابراین نمی‌توان حکم داد که تنها در اینجا، لهجه در شعر او تأثیر گذاشته است. باتوجه به ضبط نسخه‌های معتبر و معنی بیت و شاهدی که از صائب درباره پرنوری و گرم‌بودن خورشید قیامت در دست است، ضبط «پرتاب» مناسب به نظر می‌رسد.

یا رب از دل مشرق نور هدایت کن مرا از فروغ عشق خورشید قیامت کن مرا
(صائب تبریزی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۸۸)

طریقی داشت این درویش با خال سیاه پوشت

خطت آورد برگ سبزی و از خط ببرد آتش
(کاتبی، ۱۳۸۲: ۱۴۹)

ضبط نسخه اس مطابق با متن است. مصراع دوم در نسخه‌های دیگر به صورت «خطت آورد برگی سبز و از خاطر ببرد آتش» آمده که باتوجه به معنی بیت مناسب است.

سوی من می‌آ صد دل زانکه شه را عیب نیست گر گذر در صید کردن بر خرابی باشدش
(همان: ۱۵۴)

ضبط همه نسخه‌ها به جای «می‌آید صید»، «می‌آ به صید» است که باتوجه به وزن و معنی بیت درست است.

تا که ای دل بودت فکر روایات قصص آدمی باشد که این است سخن را مخلص
(همان: ۱۵۴)

این غزل تنها در نسخه‌های کا و اس و مل آمده و در این نسخه‌ها به جای «که»، «کی» و به جای «باشد»، «باش» ضبط شده که صورت درست بیت است.

دلَم رفت و با درد و غم شد رفیق نکو رفت آخر خوش است این طریق
(همان: ۱۵۸)

مطابق ضبط همه نسخه‌های خطی و چهار نسخه بدل از دیوان چاپی، مصراع دوم به صورت «نکو رفتی ای دل خوش است این طریق» آمده است و مناسب به نظر می‌رسد.

گل همی‌گیرد صباح از دفتر حسنش ورق

ای صبا گل چیست باری بازگردان این ورق
(همان: ۱۵۹)

ضبط نسخه اس مطابق با متن است. در نسخه‌های کا و مل و لس، همچنین در دو نسخه از نسخه‌های دیوان

چاپی، در مصراع اول به جای «ورق» «سبق» آمده است. بقیه نسخه‌ها این غزل را ندارد. مطابق معنی بیت و قافیۀ غزل و ضبط تعدادی از نسخه‌ها، در مصراع اول به جای «ورق»، «سبق» درست است.

چو زلف خویش اگر هم سر بری و گر بندی به خاک پای تو کز هیچ سر نیچانم
(همان: ۱۸۲)

این غزل تنها در نسخه‌های کا و اس و لس وجود دارد. در این نسخه‌ها به جای «اگر هم»، «اگرم» آمده که باتوجه‌به وزن و معنی درست است.

گر کباب دل نخورد آن مست معذور است از آنک

زهر پیکان دارد این زهر نمک‌سود دلم
(همان: ۱۸۶)

این بیت را فقط کا و مل دارد. مصراع دوم در این دو نسخه به صورت «زهر پیکان دارد این مرغ نمک‌سود دلم» ضبط شده که باتوجه‌به معنی بیت و ضبط نسخه‌ها، صورتی درست است.

دلم را آرزو دار است و خود را کشته می‌خواهی

چه بویم میوه‌ای چون خشک نخل آرزوی من
(همان: ۱۵۹)

مل و لس این بیت را ندارد. ضبط اس مطابق با متن است. بیت در مج به این صورت است:

دلم را آرزو دار است و خود را کشته می‌خواهد

چه گویم میوه‌ای چون خشک نخل آرزوی من

بیت در نسخه‌ی کا به این صورت است:

دلم را آرزو دار است و خود را کشته می‌خواهد

چه بویم میوه چون شد خشک نخل آرزوی من

بیت در نسخه‌های تب و لی به این صورت است:

دلم را آرزو دار است و خود را کشته می‌خواهد

چه جویم میوه چون خشک است نخل آرزوی من

ضبط نسخه‌های تب و لی از سایر نسخه‌ها مناسب‌تر و معنی آن روشن‌تر است.

بردوز دیده کاتبی و دم ز فقر زن بازیچه نیست در دو جهان پارساشدن
(همان: ۲۰۴)

مج این غزل را ندارد. ضبط کا و اس مطابق با متن است. در نسخه‌های لس، تب، مل، لی به جای «پارسا»، «پادشا» ضبط شده است که مناسب به نظر می‌رسد.

ناصر مگو که از سخن عشق دور باش دوری حکایت تو شنفتن نمی توان

(همان: ۲۰۵)

این غزل در مج نیامده است. ضبط نسخه‌های لی، لس، اس، کا مطابق با متن دیوان چاپی است. مصراع دوم در نسخه تب چنین است: «دوری حکایتی است شنفتن نمی توان». این ضبط از نظر معنی مناسب است؛ اما مشکلی در وزن دارد. بنابراین ضبط نسخه مل، «دوری حکایتی که شنفتن نمی توان»، مناسب‌تر است.

در چمن پرده براندازد و چو گل بر سر شاخ بلبلی کشته و آویخته بین از هر سو

(همان: ۲۱۰)

به اشاره خود مصححان در پاورقی و ضبط سایر نسخه‌ها به جای «براندازد و»، «برانداز و» درست است.

گو دردی غم را مفروشید عزیزان کو یوسف مصر است گرفتار تک چاه

(همان: ۲۱۶)

در دو نسخه از نسخه‌بدل‌های دیوان چاپی و همه نسخه‌ها، به جز تب که این غزل را ندارد، به جای «غم»، «خم» ضبط شده است که درباره این بیت مناسب‌تری دارد.

اگر خواهی ستادن جان و دان بوسه عاشق را

روان اولی است دادن جان و بستان روان بوسه

(همان: ۲۱۷)

یکی از خطاهای مصححان در این بیت که در جاهای دیگر نیز گاهی دیده می‌شود، یکسان بودن ضبط متن و پاورقی است. شکل صحیح بیت در همه نسخه‌ها به صورت زیر است:

اگر خواهی ستاندن جان و دادن بوسه عاشق را

روان اولی است دادن جان و بستادن روان بوسه

کاتبی یکدم بمیر گر کشد خود را چو شمع گر نشیند بی چراغ عارضش در خلوتی

(همان: ۲۲۸)

در نسخه‌های مختلف درباره مصراع اول این بیت چند اختلاف وجود دارد. نسخه اس فقط به جای «بمیر»، «بمیرد» ضبط کرده و در سایر موارد مطابق با متن دیوان چاپی است. مصراع دوم در نسخه کا به صورت «کاتبی یکدم بمیرد گه کشد خود را چو شمع» ثبت شده و در نسخه‌های دیگر به صورت «کاتبی در دم بمیرد یا کشد خود را چو شمع» آمده است. به علت آشکاربودن معنی و ضبط بیشتر نسخه‌ها مورد اخیر را بر بقیه می‌توان ترجیح داد.

نتیجه‌گیری

پانزده سال پیش (۱۳۸۲)، تقی وحیدیان کامیار و همکارانش نخستین تصحیح دیوان غزلیات کاتبی نیشابوری را ارائه دادند که مشکلات بسیاری دارد. دیوان چاپی به سبب شتاب‌زدگی، کم‌دقتی در مقابله نسخه‌ها، استفاده نکردن از

نسخه‌های موجود - که اعتبار بعضی از آنها از نسخه‌های استفاده‌شده مصححان بیشتر است - و کم‌دقتی در مراحل مختلف چاپ، اشکالات زیر را در بر دارد:

(۱) نداشتن مقدمه‌ای کامل و شایسته؛

(۲) نداشتن فهرست‌های لازم مانند فهرست اعلام، احادیث، آیات، امثال، منابع؛

(۳) آشفتگی ترتیب غزل‌ها و مشکل مراجعه به آنها؛

(۴) استفاده‌نکردن از همه نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌ها؛

(۵) بهره‌نبردن از نسخه کتابخانه ملی که مصححان آن را یکی از نسخه‌های استفاده‌شده معرفی کرده‌اند؛

(۶) یکسان‌نبودن شیوه نگارش کتاب؛

(۷) ۱۴۹ اشتباه چاپی که به سبب‌های مختلف وارد کتاب شده است. این ۱۴۹ اشتباه عبارت است از: الف) ۴۷ اشتباه چاپی به سبب التباس حروف؛ ب) ۴۱ اشتباه چاپی به سبب افتادگی حرف یا کلمه‌ای از بیت؛ ج) ۲۱ اشتباه به سبب حذف یا ایجاد فاصله در کلمات؛ د) ۱۳ اشتباه چاپی به سبب اضافه‌بودن یک حرف یا کلمه در بیت؛ ه) ۱۰ اشتباه به سبب جابه‌جایی حروف و نقطه یا کم و زیاد شدن نقطه؛ و) در ۶ بیت ترکیبی از چند مشکل وجود دارد که مجموع آنها ۱۷ اشکال است.

(۸) ایجاد مشکل در ۳۸ بیت از کتاب به سبب ترجیحات نادرست؛

(۹) ۱۲۴ غزل در نسخه‌های خطی معتبر وجود دارد که در دیوان چاپی نیامده است.

برای رفع همه این کاستی‌ها لازم است دیوان کاتبی دوباره از روی نسخه‌های خطی جدید، با دقتی بیشتر تصحیح شود تا چاپی منقح و کم‌عیب از غزلیات این شاعر در اختیار دوستداران شعر و ادب قرار گیرد.

منابع

- ۱- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۲۰). *دیوان*، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: زوآر.
- ۲- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۶۸). *دیوان خاقانی شروانی*، تهران: زوآر، چاپ سوم.
- ۳- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۳). *امثال و حکم*، ۴ جلد، تهران: امیرکبیر، چاپ دوازدهم.
- ۴- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۶۹). *کلیات سعدی*، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر.
- ۵- صائب تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۰). *دیوان صائب تبریزی*، ۶ جلد، تصحیح محمد قهرمان، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۶- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران*، ۵ جلد، تهران: دانشگاه تهران.
- ۷- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۴). *دیوان عطار*، تصحیح محمدتقی تفضلی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم.
- ۸- کاتبی ترشیزی، محمد بن عبدالله (۱۳۸۲). *دیوان کاتبی نیشابوری*، تصحیح تقی وحیدیان کامیار و دیگران، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۹- ----- (تاریخ کتابت: ۸۶۷). *نسخه خطی کلیات کاتبی موجود در دانشگاه استانبول*، شماره دستیابی ۵۰۴، کاتب: سلطانعلی شیرازی، استانبول.
- ۱۰- ----- (تاریخ کتابت: ۸۸۰). *نسخه خطی کلیات کاتبی موجود در کتابخانه تبریز*، شماره دستیابی ۱۵۰۲، کاتب: محمد بن محمود، تبریز.

- ۱۱- ----- (تاریخ کتابت: ۸۸۴). نسخه خطی کلیات کاتبی موجود در کاخ گلستان، شماره دستیابی ۸۸۱، کاتب: سلطانعلی شیرازی، تهران.
- ۱۲- ----- (تاریخ کتابت: ۸۸۸). نسخه خطی کلیات کاتبی موجود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره دستیابی ۱۶۹۲۸، کاتب: حسن بن محمد شیخ سخت کمان، تهران.
- ۱۳- ----- (تاریخ کتابت: نامعلوم). نسخه خطی کلیات کاتبی موجود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره دستیابی ۴۹۰، کاتب: نامعلوم، تهران.
- ۱۴- ----- (تاریخ کتابت: نامعلوم). نسخه خطی کلیات کاتبی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره دستیابی ۲۶۱۵، کاتب: نامعلوم، تهران.
- ۱۵- ----- (تاریخ کتابت: نامعلوم). نسخه خطی کلیات کاتبی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره دستیابی ۸۶۸۸، کاتب: نامعلوم، تهران.
- ۱۶- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی، ۶ جلد، تهران: امیرکبیر.
- ۱۷- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۸۹). کلیات شمس تبریزی، تصحیح بدیع‌الزمان فرورانفر، تهران: دوستان.
- ۱۸- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۶۳). سبعة حکیم نظامی گنجوی، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: علمی، چاپ دوم.
- ۱۹- نمازی، مهدی (۱۳۹۱). «در حواشی دیوان کاتبی نیشابوری»، گزارش میراث، دوره دوم، سال هشتم، شماره پنجم و ششم، ۱۲۸-۱۳۲.
- ۲۰- وحشی بافقی، کمال‌الدین (۱۳۷۳). دیوان وحشی، به کوشش پرویز بابایی، تهران: نگاه.